ادامه از صفحه ۷

«سن»، درکف خیابان

آینده موسیقی خیابانی

تاکیدشان بر این است که مرز بین موسیقی غربی و شرقی از ذهن مردم برداشته شود و این عدم‌مرزبندی را به مسایل اخلاقی در جامعه هم بسط می‌دهند. به‌نظر آنها خیابان بهترین جا برای شروع خطزدن مرزهاست. برای ساززدن از مردم انرژی می‌گیرند و اجرا در سالن‌های بزرگ برایشان خیلی وسوسه‌کننده نیست. نشستن روی یک صندلی ساکن و گوش‌سپردن به موسیقی راک از نظرشان منطقی نیست و لذتی برای شنونده ندارد. محسن می‌گوید: «در این چرخه، ما صدایی را تولید می‌کنیم و آن صدا بدون تجزیه تحلیل شنیده می‌شود و انرژی‌ای را برای ما ساطع کرده و ما آن را گرفته و دوباره به شما برمی‌گردانیم. این تبادل انرژی هم با نمادی به نام پول عرضه می‌شود. ما صدا را تولید می‌کنیم و پولی که مردم به ما می‌دهند، برایمان خیلی جذاب است و خیلی هم برکت دارد. منبع درآمد ما همین موسیقی خیابانی است. آنقدر هست که هزینه‌های روزانه‌مان تامین شود.» گاهی به‌نظر می‌رسد که شاید خیابان برایشان جایی برای دیده‌شدن است و اگر موقعیت بهتری داشتند، در خیابان ساز نمی‌زدند. اما شاهین می‌گوید: «هراتفاقی که بیفتد، حتی اگر شده روزی یک‌ساعت را در خیابان خواهیم نواخت. لذتی که در نواختن در خیابان است، در هیچ‌جایی نیست. مثلا مادر گریانی که فرزندش در زندان است وقتی به ما می‌گوید با شنیدن موسیقی‌شما به آزادی پسرم امیدوار شدم شنیدن این حرف برای ما خیلی لذت‌بخش‌تر از این است که مردم بلیت بخرند و برای دیدن اجرایمان به کنسرت بیایند. البته این قضیه هم خیلی دلچسب و خوب است چون همه نیازمند هستند که مطرح باشند و موردتوجه قرار گیرند. اما باید در پشت این مشهورشدن چیزی باشد. افراد کمی هستند که کار ما را دیده و شنیده‌اند. ما براساس نیازی که می‌بینیم کار می‌کنیم اما اگر ۴۰هزارنفر شنونده داشته باشیم، نمی‌توانیم هرهفته سه‌روز به سینما آزادی برویم. از طرف دیگر نیروی انتظامی هم این اجازه را نمی‌دهد. اگر جایی غیر از ایران بود، این امکان بود امکان داشت ولی شما براساس چیزی که هستید و اتفاقی که در زمان برایتان اتفاق می‌افتد، باید تصمیم بگیرید. الان فیدبک‌ها خوب است اما اگر این حس‌ها زیاد شود، مشکل‌ساز خواهد بود. ما به فکر این هستیم که آلبومی جمع کنیم و اگر بتوانیم کنسرت برگزار کنیم اما هفته‌ای یک‌بار در خیابان به‌خاطر مردم بنوازیم، چون با این حس شروع به کار کرده‌ایم. چیزی که ما را بالا آورده، خیابان است، مثلا شاید یک‌نوازنده به ما اضافه شود و جمعیت شنونده هم زیاد شود و ما مجبور هستیم که کنسرت اجرا کنیم. اما در کل ترجیح ما خیابان است.»... همین‌طور که حلقه جمعیت دور آمانژی‌ها گسترده‌تر می‌شد، یک مامور پلیس با موتور رسید. جایی کنار جدول خیابان موتورش را پارک کرد. نگاه پلیس‌وارانه‌ای به جمعیت و گروه موسیقی انداخت، شاید آن لحظه به این فکر می‌کرد که اجرای موسیقی در خیابان تا چه اندازه خلاف قانون است؟ شاید موسیقی احساسات او را هم برانگیخته بود، اما به روی خودش نمی‌آورد، یا اصلا شاید به نظرش اجرای موسیقی غیرقانونی بود اما دلش نمی‌خواست باعث قطع‌شدن ارتباط حسی مردم با موسیقی باشد. بعد از مدتی انگار با خودش به نتیجه قانع‌کننده‌ای نرسیده باشد، رویش را برگرداند و به سمت موتورش رفت و با کمی تردید حرکت کرد و در سربالایی خیابان وزرا ناپدید شد.

ادامه از صفحه اول

هرخانه ایرانی، یک اثر هنری

تمام اینها از سه‌ماه‌مانده به نمایشگاه باید انجام می‌گرفت. امسال کارمان به‌دلیل حجم زیاد آثار نفسگیر شده بود؛ به‌خصوص که هفت‌گالری را هم دعوت به همکاری کرده بودیم. اما بالاخره کارمان آنطور که می‌خواستیم به‌خوبی و بسیار حرفه‌ای انجام شد. حدود ۳۵۰ اثر از سوی هنرمندان و مجموعه‌داران و ۴۹ اثر از سوی گالری‌های میهمان به تماشا گذاشته شد. سه‌روز تمام مشغول چیدن بودیم و بعد روز افتتاح و خیل جمعیتی بود که می‌آمد و می‌آمد. همه مان در عین خستگی نفسی به‌راحتی کشیدیم و با لبخند از مدعوین استقبال کردیم. ۱۴روز تمام نمایشگاه را هرروز نوبه‌نو کردیم. به‌طوری که هرروز یک نمایشگاه تازه داشتیم. آثار فروش‌رفته را از دیوار برمی‌داشتیم و به جایشان آثار دیگری می‌گذاشتیم. بسیاری از بازدیدکننده‌ها چندین‌بار از نمایشگاه دیدن کردند. می‌دانیم که این نمایشگاه دیگر جای خودش را پیدا کرده و بسیاری در طول سال منتظرند تا این نمایشگاه برپا شود و به تماشا و خرید بیایند و این عین موفقیت است. نمایشگاه امسال از لحاظ فروش به‌طور نامنتظره‌ای موفق بود. مرز یک‌میلیارد را رد کردیم و به هدفمان که «هرخانه ایرانی، یک اثر هنری» بود نزدیک شدیم و با امکانات و تسهیلاتی که برای خریداران قایل شدیم، توانستیم در عرض دوهفته ۱۸۶اثر را به خانه هنردوستان بفرستیم. در اینجا از مجموعه کارکنان فرهنگسرای نیاوران که برای نمایشگاه ما از هیچ کمکی دریغ نکردند و از اهالی فرهنگ و هنر، مردم هنردوست و البته رسانه‌ها و خبرنگاران محترم که ما را با تشویق‌هایشان دلگرم کردند و باعث شدند خستگی یادمان برود تشکر می‌کنیم. پس تا سال آینده و هفت‌نگاه هشتم. واقعا دستمان درد نکند!

۴ نگاه به اولین تجربه کارگردانی بازیگر «مختارنامه»

آزمون و خطای عرب‌نیا در «رنگ شک»

بهناز شیربانی

عکس: مسعود پاکدل

تاکنون بازیگران بسیاری عرصه کارگردانی را تجربه کرده‌اند؛ عرصه‌ای که قطعا برای بازیگران، خصوصا آنهایی که جایگاهی ویژه دارند و به نام معتبری در حیطه کاری خود تبدیل شده‌اند، ریسک محسوب می‌شود. برخی از این چالش موفق بیرون می‌آیند و تلاش دسته‌دوم محکوم به شکست و گاهی حتی باعث خدشه‌دارشدن جایگاه بازیگری‌شان است.

در سینما و تلویزیون ایران نیز کم نیستند بازیگرانی که عرصه کارگردانی را تجربه کرده و تجربه‌های متفاوتی را رقم زده‌اند. اما طی یک‌هفته گذشته، آنتن شبکه سه سیما به پخش مینی‌سریال بازیگری اختصاص داشت که برای نخستین‌بار کارگردانی را تجربه کرد؛ بازیگری که مخاطبان تلویزیون از نقش‌آفرینی او در سریال «مختارنامه» خاطرات بسیاری دارند و سال‌هاست از عمر بازیگری او می‌گذرد. فریبرز عرب‌نیا دست به تجربه متفاوتی زده است و به‌قول خودش این تجربه‌کردن‌ها را دوست دارد. حتی اگر کارنامه او را زیر سوال ببرد.

بدون شک نخستین تجربه کارگردانی او با آزمون و خطاهایی همراه بوده است. انتخاب قصه‌ای پلیسی و روایتی که مبتنی بر استفاده از صحنه‌های اکشن نیست و تفاوتی که در لحن و فضای قصه وجود دارد، مخاطبان «رنگ شک» را به دو دسته مخالف و موافق تقسیم می‌کند. کنجکاوی برای دیدن نخستین تجربه کارگردانی عرب‌نیا زیاد بود. خصوصا اینکه تولید این مینی‌سریال بیش از حد معمول زمان برد و حاصل کار طی یک‌هفته هر شب از شبکه سه سیما پخش شد؛ سریالی که برخی از مخاطبان تلویزیون با ریتم کند و فضای سرد آن ارتباط برقرار نکردند و برخی دیگر این فضا را پسندیدند.

درستکار: قریحه فیلمسازی خوبی دارد

جدا از مخاطب معمول تلویزیون، منتقدان نیز واکنش‌های متفاوتی نسبت به تجربه نخست کارگردانی او دارند. «رنگ شک» چندپله از سریال‌های معمول تلویزیون بالاتر است و مشخص است که برای اثر زحمت زیادی کشیده شده و با دیدن نخستین تجربه کارگردانی عرب‌نیا می‌توان این را درک کرد که او قریحه فیلمسازی خوبی دارد. اینها بخشی از صحبت‌های رضا درستکار، منتقد سینما و تلویزیون است. او می‌گوید باوجود اینکه عرب‌نیا سال‌ها بازیگری کرده است، قادر به ارایه تصویری جدید است و سریال تشخص خوبی پیدا کرده. عرب‌نیا کارش را سردستی نگرفته و در ریتم و فضای داستان توانسته فضای دلهره‌آور را به‌خوبی منتقل کند. با دیدن این سریال می‌توان متوجه این موضوع شد که عرب‌نیا کاملا به کار مسلط بوده است.

ریسک در روایت قصه

اما این پرسش را که ریتم و لحن روایت قصه تا چه حد توانسته با مخاطب ارتباط بگیرد و آیا از این جهت موفق عمل کرده است یا خیر؟ با عمار تفتی، بازیگر این اثر در میان گذاشتیم. او می‌گوید: «اوایل هم برای من عجیب بود، چرا اینقدر کند و تاریک؟ اما بعد از مدتی از گذشت سریال متوجه می‌شویم که ریتم روایت داستان، ریتم علی نبوی است. اوست که زمان برایش به کندی می‌گذرد. این ریسک در روایت قصه برای واقعی‌تعریف‌کردن آن است و شاید بهتر است سلیقه من هم به‌عنوان مخاطب تغییر کند و کارهایی ببینیم که تنوع گسترده‌تر در تم و اجرا داشته باشد.»

تفتی در صحبت‌هایش از اعتماد به عرب‌نیا و دلیل حضورش در این مجموعه اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی با فریبرز عرب‌نیا این مجموعه را آغاز کردم، با خودم فکر کردم با کسی کار می‌کنم که برای سلیقه‌اش وقت می‌گذارد و هزینه می‌کند و بهتر است به او اعتماد کرد و بعد از یک‌هفته از آغاز کار که ما بخش اول و سه کاراکتر را تصویربرداری کردیم، من و فریبرز عرب‌نیا بر سر ابعاد شخصیتی«غفار» به یک توافق کامل رسیدیم؛ در طول کار، خودم را به دست کارگردان سپردم و با شناخت کامل نسبت به نقش پیش رفتم و این‌روزها در مقام تماشاگر، این سریال هنوز هم برایم جذاب است.»

مجیدی: فقر دیدن آثار پلیسی داریم

آرش مجیدی دیگر بازیگر این سریال نیز معتقد است که «رنگ شک» را باید به‌عنوان سریال پلیسی ایرانی نگاه کنیم: «این سریال بدون اینکه نگاهی به نمونه‌های خارجی داشته باشد، ساخته شده و این اتفاق در شخصیت‌پردازی من هم رعایت شده است. آدم‌هایی که در این سریال می‌بینیم کسانی هستند که در زندگی روزمره با آنها برخورد می‌کنیم و اگر خیلی با چنین قصه‌هایی ارتباط برقرار نمی‌کنیم به این دلیل است که در تمام این سال‌ها سریال یا فیلم پلیسی به معنی واقعی کلمه نداشته‌ایم و فقری در این رابطه وجود داشته است.»

او می‌گوید: «به‌عنوان بازیگر سریال شاید در جایگاه مخاطب با آن احساساتی برخورد کنم. نمی‌توانم از این جایگاه بگویم که حاصل کار می‌توانست بهتر باشد یا خیر؟ اما «رنگ شک» می‌توانست قوت بیشتری داشته باشد و اگر این‌طور نیست بپذیریم که آزمون و خطایی در ساخت سریالی پلیسی است. اما من از نتیجه کار راضی‌ام و تجربه بسیار خوبی برای من بود.»

با دست پر نیامده

«رنگ شک» به همان نسبت که به‌نظر برخی تجربه‌ای موفق برای عرب‌نیا محسوب می‌شود از نگاه عده‌ای دیگر نتوانسته انتظارها را برآورده کند. جبار آذین، منتقد سینما و تلویزیون معتقد است فریبرزعرب‌نیا با دست پر به عرصه کارگردانی وارد نشده است و نخستین تجربه او به‌لحاظ ساختار هنری قابل‌قبول نیست. او می‌گوید: «فیلمنامه این سریال به‌لحاظ داستان‌پردازی و رعایت اصول و قواعد فیلمنامه‌نویسی دچار مشکل است و اغلب کاراکترهای این سریال فاقد شخصیت‌پردازی زنده و پویا هستند و در حد تیپ باقی می‌مانند و مخاطب ارتباط خوبی با آنها برقرار نمی‌کند.»

کارگردانی و بازیگری عرب‌نیا در این مجموعه از دیگر نقدهایی است که آذین نسبت به این سریال وارد می‌داند: «در صحنه‌هایی که عرب‌نیا حضور دارد، کارگردانی و میزانسن دوربین بسیار ضعیف است و در کل این اثر را می‌توان متوسط ارزیابی کرد و به‌لحاظ داستان، محتوا و ساختار بصری و هنری مشکلات فراوانی دارد و حتی به‌عنوان یک سریال حادثه‌ای پلیسی نیز نتوانسته موفق عمل کند.»

نخستین تجربه کارگردانی عرب‌نیا پس از هفت شب نمایش در شبکه سه سیما به پایان رسید. شاید یکی از اتفاقات منفی، بدعت ساخت سریال‌هایی از این دست که به «مینی سریال» مشهورند، این است که هنوز مخاطب خود را پیدا نکرده، تمام می‌شوند و شاید نیاز است که تمهید بهتری برای دیده‌شدن آثاری از این دست اندیشیده شود. «رنگ شک» با تمام کاستی‌ها یا ویژگی‌هایش تمام شد. باید دید این تجربه برای عرب‌نیا، سبب‌ساز چه تصمیمی درآینده خواهد شد.

ادامه کشمکش‌ها بر سر تعطیلی آموزش موسیقی

سازها در فرهنگسراها کوک می‌شود؟

شرق: قفل موسیقی فرهنگسراها گشوده می‌شود؟ این یکی از مهم‌ترین سوالات بدون پاسخ اهالی موسیقی در ماه‌های گذشته بوده است. تعطیلی کلاس‌های آموزش موسیقی در فرهنگسراهای تهران، یکی از چالش‌های مهم شهاب مرادی، رییس جدید سازمان فرهنگی، هنری شهرداری و اهالی موسیقی از طرف دیگر بوده است. از یکسو رییس سازمان فرهنگی، هنری شهرداری این اقدام را زمینه‌ای برای نظارت بر کیفیت کلاس‌ها و بهترشدن موضوعیت آموزش دانسته و از سوی دیگر هنرجویان و هنرمندان نگران این هستند که برخلاف وعده داده‌شده مبنی بر موقتی‌بودن این طرح، تعطیلی کلاس‌ها دایمی شود. منتقدان این مدیر خوش‌سیما و سخنور، گله‌مندند از اینکه بعد از آمدن او به سازمان فرهنگی، هنری شهرداری، سازها دیگر در آموزشگاه‌های فرهنگسراها کوک نمی‌شود. آنها نگران سکوتی هستند که این‌روزها پشت درهای بسته کلاس‌های موسیقی بیتوته کرده. این سکوت، در تضاد با تصویر روزهای پرشورونشاط کلاس موسیقی است. در آخرین واکنش‌ها به این موضوع، رییس سازمان فرهنگی، هنری شهرداری که در مراسم رونمایی از آلبوم «دوشنبه کربلا» شرکت کرده بود، درباره تعطیلی آموزش موسیقی در فرهنگسراها گفت: «شاید تا دوسال به ما فحش بدهند که چرا آموزش موسیقی مبتدی در فرهنگسراها را تعطیل کردیم اما من همین‌جا می‌گویم که ما در حمایت از پژوهش‌ها و آثار فاخر موسیقایی کاملا در خدمت هنرمندان هستیم و از خانه موسیقی هم تشکر می‌کنم که در این راه همراه ماست.» او در مورد استمرار این مسیر عنوان کرد: «ما گوشمان به تندی و ناسزای کسانی که به ما فحش می‌دهند، بدهکار نیست. گرچه آنها را هم دوست داریم اما امیدواریم در این زمینه شاهد خلق آثار ماندگاری باشیم که می‌تواند کمک قابل‌توجهی به فرهنگ و هنر این سرزمین انجام دهد.» اما بحث تعطیلی آموزش موسیقی در فرهنگسراها این‌روزها از سوی شورای شهر تهران هم دنبال می‌شود. عبدالحسین مختاباد، دبیر کمیته هنری شورای شهر تهران، در تازه‌ترین سخنانش درباره رایزنی با شهاب مرادی برای بازگشایی کلاس‌های آموزش موسیقی به مهر گفت: «سیستم مدیریت فرهنگی در کشور طبق شرایط روز حرکت نمی‌کند و از تحولات مربوط به حوزه‌های فرهنگی و هنری عقب مانده و به اعتقاد من مساله تعطیلی کلاس‌های موسیقی در فرهنگسراهای تهران و تعلل در بازگشایی آنها از همین دست ضعف‌های مدیریتی است.»او با اشاره به رایزنی‌های درحال‌انجام در شورای شهر برای حل این مساله بیان کرد: «بارها در مورد تعطیلی کلاس‌های آموزشی موسیقی در فرهنگسراها تذکر داده‌ایم اما کار از تذکر گذشته و شورای‌شهر شهاب مرادی را دعوت به مذاکره خواهد کرد تا درباره دلایل این تصمیم توضیح دهد.» دبیر کمیته هنر شورای شهر تهران تاکید کرد: اگر خانه موسیقی اقدام موثری در این زمینه انجام داده بود، شاید مساله تعطیلی و حالا بازگشایی کلاس‌های موسیقی در فرهنگسراهای تهران به شورای شهر کشیده نمی‌شد.

تهران؛ میزبان اولین کنسرت کویتی‌پور

شرق: کویتی‌پور خاطرات مداحی و حماسه‌خوانی‌های مذهبی خود را بعد از دودهه زنده می‌کند. او که به‌واسطه فعالیت در حوزه حماسه‌خوانی و موسیقی مذهبی به‌خصوص در سال‌های جنگ شناخته می‌شود، قصد دارد اولین کنسرت خود را برگزار کند. این کنسرت درحالی قرار است ۲۶ و ۲۷آذر در سالن وزارت ارشاد برپا شود که پیش از این یک‌بار کنسرت او لغو شده بود. اولین کنسرت غلام کویتی‌پور قرار بود، روزهای ۱۳ و ۱۴آذر در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شود اما به دلایل نامعلومی لغو شد. محمود سراجی، تهیه‌کننده کنسرت، پس از انتشار خبر لغو کنسرت حاضر به ارایه توضیح در این‌باره نشد. او البته پس از اعلام تاریخ جدید کنسرت، از برگزاری نشست رسانه‌ای و ارایه توضیحاتی در مورد برگزارنشدن این برنامه خبر داد: «نشست خبری ویژه‌ای ترتیب داده‌ایم تا با حضور غلام کویتی‌پور درباره اتفاقات پیش‌آمده و محتوای کنسرت، توضیحات مفصلی را در حضور اهالی رسانه ارایه کنیم و هرگونه شبهه در رسانه‌ها برای این عدم پاسخگویی در روزهای گذشته، به‌صورت کاملا شفاف برطرف شود.» این کنسرت «نوای عاشقی» نام دارد و این مداح به اجرای گلچینی از آثار منتشرشده‌اش خواهد پرداخت.

یاد دوست

موسیقی خراسان به سوگ نشست

«ذوالفقار عسگریان» هم رفت

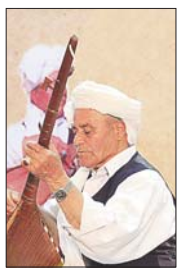

شرق: ذوالفقار عسگریان، مهم‌ترین منبع مقام‌های شرق خراسان درگذشت. این دوتارنواز پیشکسوت که از وی به‌عنوان بزرگ‌ترین موسیقیدانی یاد می‌کنند که به موسیقی شمال و جنوب خراسان تسلط داشت، غروب روز گذشته در مشهد درگذشت. علی مغازه‌ای، پژوهشگر موسیقی، مستندساز و از دوستان زنده‌یاد عسگریان در این‌باره به «شرق» گفت: «ذوالفقار عسگریان از چندی پیش در بیمارستان امام‌رضای مشهد بستری شده بود. طی سه‌روز گذشته بدنش به دیالیز جواب نمی‌داد و افت شدید فشار پیدا کرده بود تا اینکه غروب روز گذشته درگذشت.» این پژوهشگر درباره جایگاه این نوازنده اضافه کرد: «او مهم‌ترین منبع مقام‌های شرق خراسان بود. راوی خوبی بود که با جست‌وجو در نقاط دیگر خراسان توانسته بود به مقام‌های دیگر شمال این خطه هم دست یابد. او در عین حال گوش موسیقایی بسیار قدرتمندی داشت.» ذوالفقار عسگری‌پور، معروف به عسگریان متولد۱۳۱۱ کاشمر و بزرگ‌شده تربت‌جام بود. از هفت‌سالگی به یادگیری دوتار نزد پدر پرداخت. او در جشنواره‌های مختلف موسیقی در داخل و خارج کشور شرکت کرد که ماحصل آنها کسب دیپلم افتخار سومین، چهارمین، پنجمین و هفتمین جشنواره موسیقی فجر و اجرای برنامه در کشورهای ایتالیا، فرانسه، سوییس، هلند، بلژیک و... است. تکنیک‌های خاصی که عسگریان در دوتارنوازی دارد، موجب شده تا نامش به‌عنوان یک نوازنده مبدع و صاحب‌سبک شناخته شود. بسیاری از کارشناسان موسیقی نواحی ایران، تبحر این استاد پیشکسوت را در اجراهای ظریف و سرعتی دوتار بی‌نظیر می‌دانند و برخی او را اسطوره موسیقی مقامی دانسته‌اند. این دوتارنواز پیشکسوت در کنار استادانی چون حاج نورمحمد درپور، غلامحسین غفاری، غلامعلی پورعطایی، کریم کریمی، عزیز احمدی و... به نوازندگی پرداخته و بسیاری از کارهایی که ما از موسیقی خراسان می‌شنویم صدای ساز اوست.

سینمای هنر و تجربه تقدیم می‌کند:
برنامه‌سینماهای
پردیس‌سینمایی‌آزادی
پردیس‌سینمایی‌کورش
خانه هنرمندان
موزه سینما
پردیس‌سینمایی‌هویزه (مشهد)
با عضویت در سایت aecinema.ir وخریداولین‌بلیط اینترنتی فیلم های سینمایی هنر وتجربه می توانید ازتخفیف ۳۰درصدی در خریدهای بعدی بلیط سینماها استفاده نمایید.
هنر و تجربه
Art & Experience Cinema
www.aecinema.ir

aecinema.ir cinematicket.org